

# مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

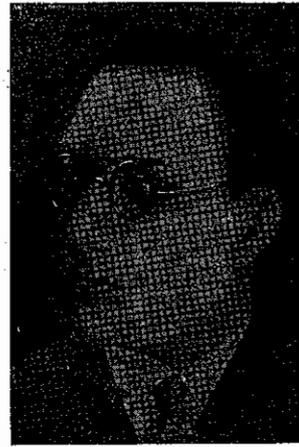
پس از ۱۳ سال نخست وزیری، امیرعباس هویدا، جلی خود را به جمشید آموزگار داد. نخست وزیر سابق نگفت، چرا رفت. نخست وزیر جدید نگفت، چرا آمد. حتی شاه، که برخلاف قانون اساسی، نخست وزیر را عزل و نصب میکند، علت واقعی این تغییر را بیان نکرد. جز اینکه هنگام معرفی کلینیه جدید تذکره داد که در زمینه اقتصادی برخی کارها و برنامه ها میباید بهتر اجرا گردد، یعنی

## شعلی که در ظلمتکده استبداد فروزان شد

ناست هفتاد و پنجمین سالروز تولد دانشمند و مجاهد نزرگ دکتر تقی ارانی

دانشجویان کمونیست ایرانی که برهبری سلطان زاده عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران ایجاد شده بود ارتباط گرفت و از این راه وارد فعالیت انقلابی گردید. ارانی در کار اداره و نویسندگی، بیکار، و «بیرق انقلاب» که در آلمان انتشار مییافت و نیز در فعالیت سازمان غیر علنی مبارزه یا استبداد رضاشاه شرکت فعال داشت.

کتر تقی ارانی در ۱۵ شهریور سال ۱۲۸۱ در خانواده ارمنده سالیه در شهر تبریز دیده بروی جهان و از پنجسالگی به علت انتقال پدرش به تهران ن شهر شد. در سال ۱۲۹۹ تحصیلات متوسطه را لغتونی بی پایان رسانید.



این دوره از زندگی ارانی با رویداد های ایزراف و جهان همراه بود. دامنه جنگ بیان دول امپریالیستی به ایران کشیده شد. ایران در سال ۱۲۹۲ بوسیله واحد های ارتش ان اشغال گردید. قرارداد ننگینی که به مستعمره انگلستان تبدیل میکرد به کشور بل شد. در سال ۱۲۹۹ کودتای سید ضیاء - رضاخان انجام گرفت، قدرت رضاخان روبه نهاد و در سال ۱۳۰۴ دیکتاتوری فردی رضا کشور تثبیت شد.

ارانی که در دوران تحصیل در آلمان نظریات سیدی واجتماعیش کاملا شکل گرفته بود، با اندوخته گرانهایی از تجارب سازماندهی و تبلیغاتی و مجوز به جهان بینی مارکسیسم - لنینیسم در سال ۱۳۰۹ بازمی راسخ برای کاربرد این اندوخته های خود در ایران به مین بازگشت.

نخستین اقدام ارانی برای ترویج نظریات سلسلی و اجتماعی مارکسیستی، بنیاد گذاری مجله «دنیاء» بود که در سال ۱۳۱۲ انتشار آن آغاز گردید. در سال ۱۳۱۳ گروه های مختلفی از کمونیست های ایران با تشکیل یک مرکز رهبری در تهران برای احیاء حزب کمونیست ایران دست با اقدام زدند. دکتر تقی ارانی یکی از اعضا سه گانه این رهبری بود که کار در میان جوانان روشنفکر و دانشجویان به او محول شده بود.

مجله «دنیاء» که مقالاتی در زمینه های علمی و سیاسی و اجتماعی و فلسفی در آن انتشار مییافت، مورد استقبال پر شور جوانان روشنفکر و دانشجویان قرار گرفت. نفوذ روز افزون مجله «دنیاء» در میان محافل دانشجویی دستگاه پلیس رضا شاهی را بیدار کرد و پس از انتشار ۱۲ شماره در سال ۱۳۱۴ از انتشار آن جلوگیری بعمل آورد.

ارانی علاوه بر سلسله مقالات علمی و فلسفی و سیاسی مانند «عرفان و اصول مادی»، «بشر از نظرمادی»، «دین و ماتریالیسم»، «ماتریالیسم دیالکتیک» و مقالات بسیار دیگر که در مجله «دنیاء» انتشار یافتند، تعدادی آثار تالیسی در رشته های فیزیک، شیمی، زیست شناسی و روان شناسی نگاشته است. در اوائل سال ۱۳۱۶ دستگاه پلیس رضاشاهی، ارانی وعده زیادی از همزمانی وی را دستگیر نمود و سازمان جدید کمونیستی ایران را متلاشی ساخت. ارانی به اصطلاح داد گاه دستگاه پلیسی رضا شاه رابه داد گاه واقعی خلق علیه رژیم استبدادی تبدیل نمود و درد فعالیت خود، کثیر خواست توده های زحمتکش ایران را علیه استبداد سیاه رضاشاه ارائه داشت.

در چهار دهم بهمن ۱۳۱۸ رژیم پلیسی رضاشاه که از پیش برای نابودی ارانی تصمیم گرفته بود، بارزیدانه ترین شیوه ای به این جنایت دست آورد.

دنباله در صفحه ۲

از سخنان ارانی  
فقط آن قانون مقدس است که حافظ منافع توده باشد.

چقدر برای یک جامعه ننگین است که طرفداری رنجبران و حفظ حقوق آنان در آن اینقدر سخت مجازات میشود.

آیا فرض قانون اساسی از آزادی عقاید همین قلند کردن کلیه عقاید بوده و آن خوفا برای همین ظلم امروز ریخته شده است؟

## هویدا رفت، آموزگار آمد، شاه ماند، مبارزه ادامه دارد!

فقط غیر مستقیم فهماند که گویا علت تغییر نخست وزیر آن بوده است که دولت هویدا نتوانسته است مشکلات اقتصادی را حل کند.

و اما در واقع، این تغییر بازتاب چه واقعی است؟ علت این تغییر چیست؟ این تغییر بچه معنی است؟ در برابر این تغییر، وظیفه مبارزان ضد رژیم چیست؟

این تغییر قبل از هر چیز بازتاب این واقعیت است که «جزیره ثبات»، برخلاف میل واراده «شاهنشاه»، بحرکت در آمده است. عواقب شوم

## برنامه تحمیلی ایجاد نیروگاههای هسته ای و منافع ملی ایران

در پی سفر هیئت ایرانی بریاست علی اکبر اعتماد معاون نخست وزیر و رئیس سازمان انرژی اتمی ایران به آمریکا، که اولین سفر بلند پایگان دولت بلا فاصله پس از تغییر کابینه بخارج بود، ۲۰ مرداد اعلام شد پیش نویس پروتکل خرید ۸ راکتور هسته ای سیر ایران و آمریکا به امضا رسیده است. این خبر نشانه دیگری از ادامه سیاست تسلیم دولت ایران در برابر امپریالیسم آمریکا و هیئت اداری جدید کاخ سفید است. خبر در عین حال بیانگر این واقعیت است، که برنامه تحمیلی ایجاد تعداد زیادی نیروگاه های هسته ای در ایران از مراحل اولیه گذشته و به اجرای خود در مقیاس وسیع نزدیک میشود.

مقدمتا باید متذکر شد، که برنامه نیروگاه های هسته ای در ایران، چنانکه طراحان این برنامه اعلام داشته اند، ایجاد ۲۴ نیروگاه را در برمی گیرد. تنها بابت قیمت را کشور های هسته ای این نیروگاهها باید مبلغی برابر ۳۸ تا ۴۰ میلیارد دلار بخارج پرداخت کرد. برای تمهید این از این نیروگاهها تا کدورت نو راکتور هسته ای از آلمان فدرال هریک بظرفیت ۱۲۰۰ مگوات، دو راکتور هسته ای از فرانسه، هریک بظرفیت ۹۰۰ مگوات خریداری شده. نیروگاه راکتور های هسته ای خریداری شده از آلمان فدرال در نزد یکی بوشهر در دست ساختمان است. مقدمات ساختمان نیروگاه راکتور های خریداری شده از فرانسه نیز، که معامله آن در سال جاری صورت گرفت، در نزد یکی اهواز فراهم میشود.

آغاز بهره برداری از نیروگاه های هسته ای در ایران از سال ۱۹۸۱ بهمن در نظر گرفته شده. پایان اجرای برنامه ای که تا کنون در این زمینه از جانب رژیم تنظیم و دقیقتر گفته شود بنا بر اساس محافل امپریالیستی به ایران تحمیل شده، سال ۱۹۹۴ خواهد بود. همان سالی که مدت امتیاز قرار داد فروش نفت به کنسرسیوم پایان میپذیرد.

تحمیلی بودن برنامه ایجاد نیروگاه های هسته ای در ایران و ارتباط مستقیم آن با تسلط امپریالیسم و کارتل بر نفت کشور ما از همین «تصادف» تقارن پایان اجرای برنامه ایجاد این نیروگاهها و خاتمه مدت امتیاز فروش نفت پند است. با این وجود، اگر لازم باشد دلایل دیگری ارائه شود، میتوان به طرح خلق الساعه این برنامه پس از افزایش جهشی در آمد های نفت اشاره نمود. دنباله در صفحه ۲

پانزده سال پس از اصلاحات ارضی «شاهانه»  
روزنامه اطلاعات در تجلیل از علم وزیر پیشین دربار می نویسد:  
«ماده علم، مردی که اگر محصول یکساله زعفران او را در آب تهران بریزید یکماه همه تهرانها میتوانست دست و روی خود را با آب زعفران بشویند.»  
اطلاعات - ۲۰ مرداد ۱۳۵۶

سیاست ضد ملی و ضددمکراتیک رژیم استبدادی محمد رضا شاه در سیاست داخلی و خارجی، در زمینه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی چنان آشکار شده که جز گروه کوچک گردانندگان و وابستگان رژیم، تمام طبقات و قشرهای مردم، بفرجات گوناگون، ولی بطور روزافزون، ناراضی اند. این ناراضی، بویژه مردوان اخیر، علیرغم تروپالیسی، به اشکال گوناگون، از جمله بصورت اعتصابات، تظاهرات و اعتراضات بروز کرده است. رژیم شاه در افکار عمومی خارج از کشور دنباله در صفحه ۲

## اعلامیه ۲۸ کشور علیه بمب نویترون

در تاریخ ۹ اوت ۱۹۷۷ اعلامیه زیرین علیه تولید بمب نویترون توسط دولت آمریکا، بوسیله ۲۸ حزب کمونیستی و کارگری اروپا با امضا رسید. این احزاب از نیروهای مترقی و ملی کشورهای آسیا، آفریقا و امریکای لاتین نیز خواستار شده اند که مراتب مندرجه در اعلامیه را مورد پشتیبانی قرار دهند. حزب توده ایران با امضاء اعلامیه در تاریخ ۱۵ اوت ۱۹۷۷ (۲۴ مرداد ۱۳۵۶) حمایت کامل خود را از اعلامیه ۲۸ کشور اعلام داشت.

## اعلامیه

بمناسبت سالگرد حادثه غم انگیز هیروشیما و ناکازاکی، احزاب زیر علیه تولید بمب نویترون توسط دولت آمریکا، اعتراض میکنند. احزاب زیر خصلت پررمنشانه این سلاح را که برای کشتار خونسردانه میلیونها انسان تولید میشود افشاء مینمایند، این اقدام آمریکا به مسابقه تسلیحاتی دامن خواهد زد و برای صلح جهانی خطرات تازه ای بوجود خواهد آورد. امضاء کنندگان زیر از تمام نیروهای دوستدار صلح و بویژه سوسیالیستها، سوسیال دموکرات ها و مسیحیون طلب میکنند که برای ادامه سیاست تشنج زدائی و برای حفظ صلح، از طریق انجام اقدامات مؤثر در راه خلع سلاح، که شرط قبلی قلبه بر پیمانهای نظامی و سر انجام انحال آناهت، موضع گیری کنند. آنها از خلتها میخوانند برای پایان دادن به مسابقه تسلیحاتی و بویژه خاتمه دادن به مسلاهای هسته ای بکشوند. در انتظار منع تمام سلاحهای اهدام جمعی، باید تولید انواع جدید اینگونه سلاحها نیز ممنوع اعلام شود.

- حزب کمونیست اتحاد شوروی - حزب کمونیست اتریش - حزب کمونیست اسپانیا - حزب کمونیست آلمان - حزب سوسیالیست متحده آلمان - حزب کمونیست آمریکا - حزب کمونیست انگلستان - حزب کمونیست ایتالیا - حزب کمونیست ایرلند - حزب سوسیالیست متحده برلن غربی - حزب کمونیست بلژیک - حزب کمونیست بلغارستان - حزب کمونیست پرتغال - حزب کمونیست ترکیه - حزب کمونیست چکوسلواکی - حزب کمونیست دانمارک - حزب کمونیست سان مارینو - حزب چپ کمونیست سوئد - حزب کار سویس - حزب کمونیست فرانسه - حزب کمونیست فنلاند - حزب مترقی زحمتکشان قبرس - حزب کمونیست کانادا - حزب کمونیست لوکزامبورگ - حزب کارگر متحده لهستان - حزب کارگر سوسیالیستی مجارستان - حزب کمونیست نروژ - حزب کمونیست یونان.

حزب توده ایران پشتیبانی خود را از اعلامیه بالا که با امضاء احزاب کمونیستی و کارگری کشور های سرمایه داری و سوسیالیستی اروپا و نیز کشورهای آمریکا و کانادا رسیده است اعلام میدارد و با تمام قوا کوشش خواهد کرد تا نیروهای مترقی و دموکراتیک ایران را برای امضاء این اعلامیه تجهیز کند. حزب توده ایران

برنامه تحمیلی ایجاد نیرو گاههای ...

توضیح زمامداران اینست که ایجاد نیرو گاههای هسته‌ای در ایران، آنگاه بعد از آنکه از نظر تولید برق ضروری است. اینان همچنین از این باره، که از کاربرد اتم به استفاده صلح آمیز از آن نظر دارند، قسم یاد میکنند. گرچه این «قسم» مشکوک است و بنوشته روزنامه هائی فرانسه شرایط بسیار مضی، حاکم بر معامله ایران و آمریکا با وعده های کارتر در جلوگیری از پیش سلاح‌های اتمی تناقض آشکار دارد؛ معذک ما فعلا وارد این بحث نمی شویم. در این زمینه تنها یادآوری این نکته ضروری است که عدول دولت ایران از تضمین های بین المللی دائره استفاده صلح آمیز از اتم برای صلح جهانی، امنیت منطقه و ایران، خاطرات بسیار مهیبه در بردارد. که حتی اندیشمندان در آن باره نیز دشوار است.

اما توضیح زمامداران در اینکه هدف از ایجاد نیرو گاههای هسته‌ای در ایران تولید برق فراوان و ارزان است. قانع کننده نیست. این توضیح شهادت واقعات و برنامه عمرانی پنجم کشور، که قبل از افزایش در آمد نفت خط مشی ها و سیاستهای اجرایی را در زمینه تولید برق تعیین نموده، است بی اساس است. برنامه عمرانی پنجم کشور (۵۶ - ۱۳۵۲) در زمینه تولید برق مقرر میداشت که «اولا گاز طبیعی یکی از منابع اصلی انرژی در اقتصاد ایران، بشمار آید و ثانیا امکان استفاده از انرژی هسته‌ای برای تولید نیروی برق ... طی برنامه عمرانی پنجم مورد بررسی اساسی و قرار گیرد. (تکیه از ماست)» (رجوع شود به «برنامه پنجم عمرانی کشور»، صفحات ۱۹۶ - ۱۹۱).

زمامداران ایران، علیرغم این رهنمود ها و با اینکه «برنامه عمرانی پنجم کشور، از تصویب گذشته و بصورت قانون در آمده بود» پس از افزایش درآمد نفت در جهات مشکوکی در آن تجدید نظر بعمل آوردند: منجمه و بویژه در زمینه انصراف از تکیه بر تولید انرژی با استفاده از منابع داخلی، بخصوص گاز و نفت و توجه به ایجاد نیروگاه های هسته ای برای تولید برق. ابتکار در این مورد با دربار و شخص شاه بود، که فرمان ایجاد سازمان انرژی اتمی ایران، را صادر نمود و اجرای برنامه ای را، که پاسخگوی حوائج رشد اقتصادی و منافع ملی ایران نبوده و تأمین مقاصد و نیات دول امپریالیستی و انحصارات غارتگر را در خود نهفته دارد، بشکوه ما تحمیل نمود.

برنامه تحمیلی ایجاد نیروگاههای هسته ای ولو هدف آن تولید برق باشد برنامه ایست که قبل از همه با مقدمات صنعتی، علمی و فنی کشورها هیچ تناسبی ندارد. ایجاد ۲۴ نیروگاه هسته ای حتی برای اقتصاد صنعتی دول غربی نظیر فرانسه و انگلستان نیز سنگین است؛ تا چه رسد به ایران. پرداخت ۴۰ میلیارد دلار تنها برای خرید راکتورهای اتمی و صرف میلی بیش از آن برای ساختمان و دو آینه بهره برداری از این نیروگاهها، هزینه‌ای نیست که اقتصاد ایران بتواند آن را تحمل کند. اختلال و ورشکستگی اقتصاد ایران نتیجه حتمی اجرای چنین برنامه‌ای خواهد بود. آثار این اختلال هم اکنون، که تنها ساختمان دویزورگاه آغاز شده و حتی سیمان و آهن برای ادامه کار آنها پیدا نمیشود، مشهود و عیان است.

ایجاد نیروگاههای هسته ای هم‌چنین از نظر دسترسی به نیروی برق ارزان و فراوان نیز پاسخگوی حوائج کشور ما در لحظه کنونی نیست. نیرو گاههای هسته ای بسیار گرانقیمت است. خطرات ناشی از تشعشع اتمی و آلودگی محیط زیست از جانب این نیرو گاهها هنوز مرتفع نشده و ساختمان هریک از آنها سالهای زیاد وقت و مقادیر مهمی مصالح مختلف و نیروی انسانی آشنا بفرق اتمی طلب میکند. تقریباً همه اینها باید از خارج وارد شود. حتی اگر ایران از لحاظ منابع سوخت فقیر بود، بازهم تکیه به ایجاد نیرو گاههای هسته‌ای برای تولید برق در شرایط کنونی جلی حرف بسیار داشت. اما چنانکه میدانیم کشور ما از لحاظ منابع طبیعی سوخت از جمله غنی‌ترین و میوهان گشت از کشور، های منحصر یفرد جهان است. از لحاظ ذخایر گاز ایرانی جلی دوم در جهان دارد. وضع وقت

آن معلوم است. همین اواخر یک ذخیره ۳۰ میلیارد تنی زغال سنگ در کویر بهمت کارشناسان شوروی کشف گردید. از نظر ایجاد نیرو گاههای آبی نیز ایران امکانات جالبی دارد. از همه اینها گذشته هم اکنون و دهها سال است که روزانه میلیارد ها فوت مکعب گاز های حاصله از چاههای نفت ایران بیهوده سوزانده شده بهتر میروید. با این وضع آیا ایجاد نیروی برق از اتم در ایران میتواند مقرون به صرفه باشد؟

ما با تکیه به ایجاد نیرو گاههای حرارتی برق که نسبتاً در مدت کوتاه و با سرمایه کم ساخته میشود، فرصت آنرا داشتیم که در سالهای گذشته ظرفیت تولید برق خود را بجزآن کافی بالا ببریم. تولید برق ارزان و فراوان میتواند محرک خوبی برای پیشرفت اقتصاد ایران در همه زمینه‌های تولید و مصرف باشد. باز داشتن این اجماع از برنامه و تحمیل برنامه خلق الساعه ایجاد نیرو گاههای هسته ای از علل اساسی پیدایش کمبود عرضه برق در برابر تقاضاست که هم اکنون بنا به اعتراف خود زمامداران فلج تلم اقتصاد کشور را پیش آورده است. زبان برنامه تحمیلی از هر جهت آشکار است و هر عقل سلیمی را به کفر گناشتن و طرد آن قرا میخواند. اما کاخ نشینان تهران همچنان در اجرای آن اصرار میورزند.

برنامه تحمیلی اتمی رژیم همان اندازه که پاسخگوی مصالح رشد اقتصادی و منافع ملی ایران نیست، همان اندازه منطبق با نیاز های کنونی نواستعمار و انحصارات غارتگر چند ملیتی، منجمه کارتل وقت است. قبل از همه دریافت ۴۰ میلیارد دلار بابت خرید راکتورهای هسته‌ای و هزینه های دیگر ناشی از اجرای این برنامه باز گردان خوبی است برای تصاحب درآمد نفت ایران. این لقمه چرب و نرم چنان ارزشی دارد که نه تنها انحصارات نفتی و غیرنفتی که به انحصار اتم رو آورده اند، برای بلع آن بوقایت پرداخته‌اند بلکه دول امپریالیستی نیز بر سر آن کشمکش دارند. امپریالیسم آمریکا سهم شایسته میخواند، لیکن اروپای غربی نیز نمیخواهد جلی رویه قرار گیرد.

هم اکنون مردم آلمان فدرال و فرانسه و دیگر کشورهای اروپای غربی بهت بیم از تشعشعات اتمی علیه ایجاد نیرو گاههای هسته ای مبارزه میکنند. در این شرایط تبدیل ایران به آزمایشگاه ایجاد نیروگاه های هسته ای البته برای دول غربی و انحصارات اتمی آن فرصت مغتنمی است. این انحصارات ضمن آنکه خاک کشور های خود را از آلودگی تفرقه های اتمی و خطرات تشعشع محفوظ نگاه میدارند، در عین حال از لحاظ باقی ماندن انحصار تکنولوژی اتمی در دست خود بیمانگ نخواهند بود. زیرا نه فقط کار ساختمان بلکه اداره نیرو گاههای هسته ای ایران بعلت عدم وجود کادر های مالی منحصراً در اختیار خود آنان خواهد بود.

امپریالیسم و نواستعمار، که همین امروز بر تکنولوژی ساده صنعتی در ایران تسلط دارد، با اجرای برنامه نیرو گاههای هسته ای در ایران به تسلط مهتری دست خواهد یافت. ایجاد دهها نیروگاه هسته ای و انحصار تکنولوژی و بهره برداری از آنها در دست دول غربی و متخصصین آن وسیله ایست که اقتصاد ایران را در آینده در مقیاس وسیعتر و عمیقتر از امروز وابسته امپریالیسم و نواستعمار میسازد و استقلال اقتصادی و سیاسی کشور ما را بحرف پوچ بدل میکند. چنانکه برنامه میشود برنامه تحمیلی اتمی نه فقط برنامه ای ملی و پیشرفته نیست، بلکه عمیقاً ضد ملی است و با خواستهای پیشرفت واقعی اقتصاد ایران منافات دارد. حزب توده ایران و دیگر نیرو های ملی از استفاده صلح آمیز از اتم و هماهنگی با پیشرفتهای ناشی از کار برد تکنولوژی اتمی جانبداری میکنند. برنامه ملی اتمی و مقرون بصلاح اقتصادی و هماهنگ با نیاز علمی و فنی ایران در حال و آینده مورد توجه نیرو های مترقی است. از نظر این نیرو ها سرمایه گذاری معقول و متناسب با وضع اقتصادی و صنعتی کشور در این برنامه، که مانند هر برنامه اصل اقتصادی برای ایران نمیتواند کنار از همکاری ایران و کشورهای برادر سوسیالیستی از قوه بفعل درآید، جایز و ضروری است. لیکن برنامه اتمی که رژیم به کشور ما تحمیل میکند چنین برنامه ای نیست. برنامه‌ای که شاه بصلاحدید مخالف امپریالیستی در زمینه ایجاد نیرو گاههای هسته ای در ایران تنظیم نموده

هویدا رفت، آموزگار آمد ...

نیز بیش از پیش منفرد شده است. در برابر این فشار داخلی و خارجی، که روزافزون است و در زمینه تغییر دائمی تملکات توا در صحنه جهانی که بسود نیروهای صلح و سوسیالیسم صورت میگیرد، نمشد بیش از این مقاومت کرد. رژیم مجبور بود و مجبور شد عقب نشینی کند، و این عقب نشینی را بصورت پر کناری هویدا از نخست وزیری انجام داد.

در برابر این اجبار به عقب نشینی، رژیم شاه میخواهد اولاً مسئولیت تمام نایامانیها و مشکلات موجود را بگردن هویدا بیندازد. ثانیاً با این تغییر از فشار افکار عمومی در داخل و خارج بکاهد. ثالثاً با تغییر نخست وزیر هدف مبارزه مردم را تحقق یابنده جلوه دهد. رابعاً از گسترش مبارزه مردم جلوگیری کند، جنبش ضد دیکتاتوری را از مسیر اصلی و واقعی خود منحرف نماید و صفوف آنرا با دادن امتیازات کوچک و فرعی باعوانفریبی، تحریک و توطئه متفرق سازد. و همه اینها بخاطر آنست که بتواند اساس رژیم استبدادی محمدرضا شاه را حفظ کند و اصول سیاست ضد ملی و ضد دمکراتیک رژیم را ادامه دهد.

هویدا در تنظیم و اجرای سیاست رژیم دخالت داشته و لذا نه فقط از نظر قانونی، بعنوان نخست‌وزیر بلکه واقعا و عملا هم در برابر مردم مسئول است. ولی همه میدانند که او در واقع گمشده شاه و مجری فرمان شاه بوده است. آموزگار از ارکان اصلی دولت هویدا بوده و لذا بعنوان وزیر مسئول، شریک جرم هویدا است. ولی همه میدانند که او نیز، یکی از گمشدگان و مجربان شاه است. علاوه بر آنکه آموزگار در برنامه دولت خود هیچ اشاره‌ای به تغییر جملی و اساسی در سیاست داخلی و خارجی رژیم نکرده است و نمیتوانسته است بکند، زیرا در واقع «طراح و مجری» اصلی و واقعی سیاست ضد ملی و ضد دمکراتیک رژیم، شخص محمد رضا شاه است و هم او است که در برابر مردم مسئول اصلی است. خود شاه، هنگام معرفی کابینه آموزگار، یکبار دیگر این واقعت را تأیید و تأکید کرده است.

نتیجه اینست که تا زمانیکه شاه و دستگاره استبدادی - ساواکی او باقی است و حاکم است، رفتن و آمدن گمشدگان او بیهوده معنی تغییر اساسی در سیاست رژیم و بسخت دیگر پایان دادن به رژیم استبدادی محمد رضا شاه نیست و نمیتواند باشد. شاه طبق تاکتیک معروف خود، فقط سرخم کرده است تا قوتوان را از سر بگرداند. شاه باز دیگر یکی از گمشدگان خود را قربانی کرده است تا اساس رژیم خود را حفظ کند شاه میکوشد با این عقب نشینی، جنبشی را که هدف اصلی اش رژیم استبدادی - ساواکی شخص اوست، بازرو حویله، با تهدید و تطمیع، با مانورهای گوناگون در هم نیجا متوقف سازد.

از جانب دیگر همین واقعت که شاه مجبور به عقب نشینی شده، مجبور به قربانی دادن شده، مجبور به سرخم کردن شده، نشانه آنست که شاه قدر قدرت نیست، که رژیم اوتراک برداشته است، که میوهان، حتی در شرایط تروروااختلالی، رژیم تروروااختلالی ضروت وارد کرد و آنرا به عقب نشینی واداشت، که شرایطی داخلی و خارجی برای پیشروی تبارانداختن رژیم استبدادی محمد رضا شاه و استقرار آزادیهای دمکراتیک فراهم میشود. از همینجاست که ندای کمیته مرکزی حزب توده ایران (در پیام مورخ ۱۷ مرداد ۱۳۵۶) «همه سازمانها و گروهها و هواداران و مبارزان راه آزادی و استقلال ملی، همه مخالفان رژیم استبدادی - ساواکی محمد رضا شاه، عمیقاً خرس است؛ دوستان و هم میهنان مبارز! فشار خود را به پایه‌های اساسی استبداد محمد رضا شاه هر روز بیشتر کنیم. مبارزه را پایگیری گسترش دهیم. متحد شویم و با این اتحاد هر گونه سلاح دشمن را از دستش بگیریم. تشدید مبارزه، پایبندی و پیگیری و اتحاد همه نیروها ضمن نیروی جنبش آزادخواهانه و استقلال طلبانه ملی ماست.» م. اتوشه

و اکنون با انعقاد قرارداد خرید ۸ راکتور اتمی از آمریکا میخواهد آن را در مقیاس وسیع باجرا بگذارد، هیچیک از خصالی را که در باره یک برنامه ملی و مترقی اتمی میتوان برشمرد ندارد. در لحظه حاضر ما نیازمند آن هستیم، که عمده توجه خود را به امر

مشعلی که در ظلمتکده استبداد ...

اما مشعلی که بدست توانای دانشمند انقلابی برجسته دکتر تقی ارانی در دوران سیاه و استبداد رضاشاهی در میهن ما آفریننده شد تا همچنان راهنمای جنبش انقلابی است که اک سال است اقتضار پیشاهنگی و رسالت به رساندن این جنبش را تاریخ بهده حزب طبقه ایران - حزب توده ایران محول کرده است. بنیاد گذاری و سراسر فعالیت حزب تودا که وارث سنن انقلابی جنبش کمونیستی در ماست با فعالیت سیاسی و اجتماعی و انقلابی تقی ارانی پیوند ناگسستنی دارد.

مجله «دنیاء» که در آغاز سال ۳۱۱ آذربایباد گذاری کرد، امروز بعنوان ارگان تئوریک کمیته مرکزی حزب توده ایران همه راهنمای سیاسی و ایدئولوژیک نهضت انقلابی و معتبرترین مروج اندیشه های مارکسیستی - لنینیستی در میهن ماست. حزب ما در همه زمینه های فعالیت اجتماعی و کاربست خلاق اندیشه های مارکس لنینیسم از فعالیت انقلابی ارانی سرمشق میگد خاطره تابناک این مجاهد سترگ را که در دو استبداد رضا شاهی در راه تحقق آرمانهای شریف انقلابی ایران و برانداختن دیو استبداد چون ص از مقاومت و پلر جراتی قد برافراشت، جلوه‌خانه مینماید.

با کمکهای مالی به پیشرفت مبارزه حزب توده ایرا یاری رسانید!

با گسترش مبارزه در ایران احیای سازمان مرکزی حزب به کمک مالی هر را بیشتر میشود. در شرایط اختلالی سیاه ساواک و پیگرد های پلیسی رساندن، تکثیر و پخش نشریات حزب در ایران، ایجاد امکانات چاپ در ایران، کمک به مبارزان و خانواده ها رفقای زندانی سازمان هزینه روز افزونی است کمیته مرکزی حزب توده ایران همه دوستان! همراهان و رفقای خود میخواه که با کمکهای مالی به سازمان مرکزی حزب، به پیشرفت کار در ایران یاری رسانند، دو حساب بانکی زیر ارسال دارید و یا مستقیماً به مرکز حزب برسانید. در صورت اول نامه ای با امضای مستعار ارسال پول را بمرکز حزب اطلاع دهید. رسید کمک ها در مجله دنیا به نام مستعار و با شماره ای که هر فرستنده خو خواهد گزید، اعلام خواهد شد.

- 1 - Dr. John Takman iweden - Stockholm / Stockholm Sparbank No. 040012650
2 - Dr. Maria Albertini DDR - Berlin / Deutsche Aussenhandelsbank No. 9608 - 3131 - 0010

پیشرفت سریع اقتصادی و خروج از عقب ماند معطوف داریم. در وضع کنونی ما باید وسایل انسانی خود را بشکلی بنکار اندازیم که بتوان کوتاه مدت مؤثرترین نتیجه را بسود استقلال اتم و تحکیم استقلال سیاسی کسب نمائیم. در چنین شرایطی رژیم حاکم برنامه اتمی بشکوه ما تحمیل که اجرای آن در شرایط کنونی بسیار دشوار و محال است و کترین ضربه آن گذشته از سواد، های کلان از درآمد نفت تشدید اختلال اقتصاد اجتماعی و باز داشتن ایران از پیشرفت واقعی است. م. جهاز